

## شوهرم می گوید؛ یا من یا اینستا!

گپی با خانمی که زندگی اش مجازی می چرخد



جانقربان اقرارمان را توی یکی از کافه‌ها می گذاریم. بدون دوربین، بدون ضبط صدا و بدون هیچ نام‌نشانی، قبول کرده است که با هم بنشینیم و صحبت کنیم. خاطرش را جمع می‌کنم که خبری از این چیزها نیست. شروع می‌کند به صحبت کردن. «هفت سال پیش ازدواج کردم. شوهرم جوشکار ساختمان بود و اوضاع مالی خوبی داشتیم. یک سال بعد مادر شدم و الان دو تا بچه دارم. وقتی بچه‌ها کوچک تر بودند از شیرین کاری‌هایی که می‌کردند عکس و فیلم می‌گرفتم و برای خواهرم و مامانم و چند تایی از دوستانم می‌فرستادم. همان زمان خودم هم اینستا داشتم، ولی خیلی فعال نبودم. یک روز دوستانم زنگ زد و گفت که فیلم یکی از بچه‌ها را توی صفحه‌اش گذاشته و حسابی باز دید خورده است. خودم هم رفتم و دیدم. خوشم آمد. بعد از آن شد کارم. از بچه‌ها فیلم می‌گرفتم توی صفحه‌ام می‌گذاشتم. باز دیده‌های زیادی داشت و حسابی مشتری پیدا کرده بود. همان چهار سال پیش یکی از فروشگاه‌های لباس بچه به من پیشنهاد داد که بچه‌ام را به عنوان مدل ببرم. شوهرم نظری نداشت. من هم بچه را بردم و حسابی مشهور شد و قصه از اینجا شروع شد.»

### زندگی توی صفحه

«با آن قرارداد خوبی که آن زمان برای تبلیغات بستم، توانستم برای خودم یک خودرو ۲۰۶ بخرم. واقعا چسبید! کم‌کم بقیه ماجراهای زندگی ام را هم توی صفحه‌ام آوردم. از عوض کردن بچه‌ها و خرابکاری‌هایشان بگیر تا وقتی خواب بودند، بعضی وقت‌ها هم از پرستاری کردن‌های شوهرم فیلم می‌گذاشتم. دیده‌اید که معروف شده به کلیپ‌های وقتی بچه رو به باباش می‌سپاری! بچه‌ها که بزرگ تر شدند، سوژه‌های ویدیوخورشان کمتر شد، اما صفحه‌ام مخاطب بالایی داشت و باید به هر طریقی آن‌ها را نگه می‌داشتم. این شد که از روابط خانوادگی خودم فیلم گرفتم. از مامان، از بابا، از خواهرم و بیشتر از همه از شوهرم. انگار برای مردم هم جذابیت داشت و حسابی فیلم‌هایم مخاطب داشت. مثلاً یادم است یک شب حسین برایم گل و کیک خریده بود و من هم که بی‌خبر بودم واقعا غافلگیر شدم، بعد ازش خواستم دوباره بروم بیرون و بباید و من هم از غافلگیر شدنم، فیلم گرفتم و توی صفحه منتشر کردم. ویدیو حسابی باز دید خورد، اما شوهرم ناراحت شد.»

### چالش در دسرساز

«بعد از آن توی چالش‌ها مشارکت می‌کردم. بدترین چالشی که در آن شرکت کردم چالشی بود که کیک تولد را توی صورت هم می‌زدند. موقع تولد شوهرم کیک را زدم توی صورتش، خیلی شاک شد. این بار کار از دلخوری و ناراحتی گذشت و دعوا ایمان شد. چون لایومی گرفتم، ببیننده‌های لایو همه چیز را دیدند و عجیب اینکه دعوا ایمان هم حسابی پر بیننده شد. از آن به بعد دیگر توی صفحه‌ام فقط خبرهای خوشی و تولد بازی‌رانی‌ها گذاشتم، سختی‌ها و تلخی‌های زندگی ام را هم با مخاطب‌هایم در میان می‌گذاشتم. تا دلتان بخواهد خانم و آقا بودند که ابراز همدردی می‌کردند. تازه چند نفری هم پیشنهاد دادند چند روزی بیاتورا ببریم سفر! راه‌های طلاق را یاد می‌دادند و هر طور فکر کنید پیشنهاد همراهی و کمک می‌دادند. همین همراهی‌ها باعث شده بود دیگر خیلی با خانواده به خصوص شوهرم وقت نگذارم. آدم‌هایی را در فضای مجازی پیدا می‌کنی که از تو درک بهتری دارند.»

### سرناسازگاری

«آن قدر دور و برم شلوغ بود و پیشنهاد همکاری و تبلیغات داشتم که خواهرم را وارد کار کردم. درآمد از شوهرم هم زده بود بالاتر. می‌گفتم تو سرکار نرو بیا همین ویدئوهای من را کامل کن، دو برابر به تو حقوق می‌دهم، ولی راضی نمی‌شد. از استقلال مالی که به دست آورده بودم واقعا لذت می‌بردم. به تمام روابطم به چشم کار نگاه می‌کردم نگو که این روابط همسرم را اذیت می‌کرده! کم‌کم سرناسازگاری گذاشت و مانع کارهایم می‌شد. شکاک شده بود. تماس‌ها و پیام‌هایم را کنترل می‌کرد و حسابی با هم به مشکل خورده بودیم. من از همین‌ها هم فیلم می‌گرفتم و منتشر می‌کردم. شوهر حساس! شوهر غیرتی! گاهی هم جومی دادم که کتک خورده‌ام! بعضی وقت‌ها هم نکات روان‌شناسی وزن و شوهری می‌نوشتیم. شاید باورتان نشود ولی خیلی‌ها از من مشاوره می‌گرفتند!»

### جایگزین شوهر

«الان بچه‌هایم بزرگ شده‌اند و کم‌کم مدرسه می‌روند. شوهرم گفته بین او و اینستا باید یکی را انتخاب کنم. راستش را بخواهید نمی‌توانم این شبکه ارتباطی ام را در فضای مجازی بی‌خیال بشوم و کنار بگذارم. این حجم از دیده شدن برایم لذت بخش است. نمی‌خواهم درآمدم را با دیگران مقایسه کنم، ولی فقط با چند استوری و پست در ماه می‌توانم صد میلیون تومان درآمد داشته باشم. صفحه اینستا مثل زمین کشاورزی است که چند سالی باید به آن بررسی تا به بار بنشیند، همین که به بار نشست دیگر می‌شود حسابی از آن برداشت کرد. من این برداشت را به راحتی نمی‌خواهم از دست بدهم. به شوهرم گفته‌ام که همراهم باشد، ولی همراهی نمی‌کند. یک مدتی است که نمی‌گذارد از او فیلم بگیرم! من هم یک آقای دیگر را برای این کار دعوت کردم که شوهرم شاک می‌شد اتفاقاً! ولی الان او باید تصمیم بگیرد که می‌ماند یا این شرایط یا نه! چون من تصمیم خودم را گرفته‌ام.»

### ایجاد بدگمانی، شک و بدبینی

دروغ و پنهان کاری و سوءظن همیشگی دیگر آسیب‌هایی است که برقراری چنین روابطی به همراه دارد. دکتر بهادری می‌گوید: «این‌گونه روابط فرازنشویی تأثیرات و تغییرات رفتاری منفی مختلفی را در فرد ایجاد می‌کند. به عنوان مثال فرد بیان می‌کند که همسرش قبلا حتی اهل وقت گذراندن در فضای مجازی نبوده، اما حالا مدام با گوشی سرگرم است، تلفن‌های طولانی دارد و از همه مهم‌تر دروغ و پنهان کاری در رفتارش دیده می‌شود یا در موارد دیگری شاهد ایجاد بدگمانی، شک و بدبینی‌هایی بی‌سابقه و تمام‌نشدنی در فردی هستیم که متوجه ارتباط همسرش با فرد دیگری شده است.»

در بعضی موارد حتی ممکن است که مشکل از رابطه بین دو فرد نباشد و همسر به تمام نیازهای طرف مقابل توجه کند، اما فرد تنها به دلیل اختلالات رفتاری و تحریکاتی که نشأت گرفته از دیدن مداوم بلاگرهای جنس مخالف است، دنبال ایجاد رابطه با یک یا چند نفر دیگر برود. این مشاوره خانواده می‌گوید: «این دسته از افراد در تأهل خود متعهد نیستند. جالب است که بسیاری از افراد در چنین مواقعی از مکانیزم دفاعی توجیه استفاده می‌کنند. مثلاً آقایی مراجعه می‌کند و می‌گوید: «من به حاشیه رفتن و کارمان به طلاق کشید.»

### از این مسائل ساده نگذرید

نوع دیگری از آسیب‌هایی هم که بهادری به آن اشاره کرد، آسیب‌های مالی بود. این آسیب‌ها ممکن است در مواقعی برای هزینه کردن بیش از حد برای تشریفات و ظاهر زندگی باشد که به تقلید از بلاگرها و شیوه زندگی آن‌ها انجام می‌شود. گاهی هم ممکن است آسیب‌های جبران‌ناپذیر مالی به یک فرد وارد کند. او یکی از این نمونه‌ها را تعریف می‌کند: «آقایی به من مراجعه کرد و گفت از طریق فضای مجازی با یکی از این افراد وارد رابطه شده بود. طرف مقابل هم با سیاست این رابطه را مدیریت می‌کند و تمام سرمایه این آقا را از او می‌گیرد.»

زهر بهادری در ادامه آمار درخور توجهی ارائه می‌دهد: «اگر به صورت آماری بخواهم توضیح بدهم، حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد مشکلات مراجعان مانا شلی از روابط فرازنشویی است که از این بین بیش از ۷۰ درصد روابط به طریقی از فضای مجازی نشأت گرفته است. یعنی در واقع حدود یک سوم مشکلات مراجعان ناشی از تأثیرات فضای مجازی است.» بهادری آسیب‌های ناشی از دنبال کردن بلاگرها را به سه دسته جنسی، مالی و عاطفی تقسیم می‌کند و می‌گوید: «هم‌زمان هم مردان از هر سه نوع آسیب‌ها صدمه می‌بینند. افرادی که با این مسئله روبه‌رو هستند، حتی افرادی که هنوز در مراحل ابتدایی آن هستند و با مشکلات جدی روبه‌رو نشده‌اند، باز هم باید تحت نظر مشاوران قرار بگیرند و به آن‌ها مراجعه کنند. نباید ساده از این موضوع رد شد، چون در غیر این صورت این مسئله ادامه دار خواهد بود و به صورت ریشه‌ای حل نخواهد شد. افراد باید به سطحی از آگاهی و بینش برسند و توجیه شوند که شروع این رفتار اول از همه به خودشان و در درجه بعدی به اطرافیانشان آسیب خواهد زد.»